



مصاحبه با:

## اعضای هیئت علمی دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در دوره ابتدایی

با فرا رسیدن هفته تربیت، دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در دوره ابتدایی تشکیل خواهد شد. بر آن شدیم تا در نشستی دوستانه با اعضای محترم هیئت علمی سمپوزیوم، از نتایج سمپوزیوم گذشته و کمیت و کیفیت مقالات دریافتی دومین سمپوزیوم و طرحهای آتی، خوانندگان عزیز را مطلع سازیم. امید است افق این تلاش ارزنده علمی و تربیتی در آینده روشن تر و پر بارتر گردد. تلاششان مأجور و سبشان مشکور باد.

ماهنامه تربیت

با تشکر از اعضای هیئت علمی که وقت خودشان را در اختیار ماهنامه قرار دادند، اولین سؤال را مطرح می‌کنیم:

□ به نظر شما در حال حاضر آموزش و پرورش دوره ابتدایی با چه معضلاتی در بُعد تربیتی مواجه است و برای حل آنها اتخاذ چه سیاست‌هایی ضرورت دارد؟

■ خانم دکتر مفیدی: از آنجا که آموزش و پرورش یک روند مستمر و پیوسته است و هدفش هم فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای شکوفایی استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد می‌باشد؛ طبیعی است چنانچه این روند

بخواهد به طریق موفقیت آمیزی پیش برود از ابتدا همه تلاشها باید معطوف به هدفها باشد، به عبارت دیگر باید از خودمان سؤال کنیم چه کسی می‌خواهد از این آموزش و پرورش بهره بگیرد؟ طبیعتاً بهره گیرنده واقعی کودک است و مشکلاتی که در حال حاضر از این نظر به چشم می‌خورد، بی‌توجهی به همین عنصر اساسی است در واقع محیط‌های تربیتی ما آنها را به عنوان «کودک» در نظر نمی‌گیرد. غالباً معلمین با روجه‌شان آشنا نیستند، بسیاری از اوقات در سطوح ابتدایی به علت عدم آگاهی از ابعاد مختلف روانی - شخصیتی و نیازهای کودک حتی ممکن است با او مانند یک شیء رفتار کنند و طبیعی است که این عدم آگاهی می‌تواند برای معلمی که با او کاری کند مشکل زا باشد.

مسئله دیگری که آموزش و پرورش ما با آن روبروست، محیط‌های آموزشی کنونی هستند که به نظر من بدون توجه به شرایط و ویژگیهای فرد استفاده کننده‌شان آماده شده‌اند، در حالی که چنین محیط‌هایی در اصل می‌باید برآورنده نیازهای کودکان باشند و از نظر فیزیکی و ساختمانی، وسایل و مواد، و خلاصه از همه نظر باید «کودک‌نگر» باشند و به او فرصت عمل و فعالیت بدهند، اما می‌بینیم که بسیاری از محیط‌های فعلی قدرت دافعه دارند نه جاذبه و برای کودک مانوس نیستند. وسایل و مواد با قد و قامت، قدرت بدنی و قابلیت‌های او تناسب ندارند، لذا از نظر مادی جو عاطفی مناسبی در مدارس ما بخصوص در سطوح پایین، حکمفرما نیست.

چون که این محیط‌ها نتوانسته‌اند روح کودک‌نگری را در خودشان پیرو رانند حتی ایجاد رعب و وحشت هم می‌کنند. در همین راستا مسایلی چون تعداد زیاد دانش‌آموزان حجم کلاسها، توانایی رقابت سازنده و... می‌توانند تحت تأثیر این موضوع قرار گیرند.

مسئله اساسی دیگر در این رابطه خود معلم می‌باشد. معلمین ما در سطوح ابتدایی متأسفانه یک دید «سطحی‌نگر» نسبت به آموزشها دارند. آگاهی‌هایشان از روانشناسی، نظریه‌های تعلیمی و تربیتی، نگرش‌های جدید نسبت به کودک، کم است. بسیاری از آنها با توجه به شواهدی که هست - اعتقادی حتی به کار خودشان ندارند. علاقه به کار، اعتقاد، پشتکار و کوشش عواملی است که در کار با کودکان این دوره ضروری می‌باشد. گزینش‌های نادرست هم احتمالاً به تضعیف این روجه



می تواند کمک کند.

نارسانائی های زیادی در تربیت معلم وجود دارد که اولین آنها در انتخاب معلم است. نارسانائی این انتخاب گاهی به سیاستها و شیوه ای که در پیش می گیرند مربوط می شود. دومین نارسانائی مربوط به جاذبه کار معلمی است. اغلب می بینیم که آموزش و پرورش و کار معلمی برای جوانها یا کسانی که می خواهند در سازمانهای مختلف خدمت کنند جاذبه ای ندارد و معمولاً بعد از ناامیدی از پذیرفته شدن در دانشگاه یا جاهای دیگر به آموزش و پرورش روی می آورند. سه اصل مهم در تربیت معلم باید مطرح شود: انتخاب معلم، تربیت معلم و نگهداری معلم.

- در مورد اول، من شخصاً معتقدم که معلمی به یک استعداد خاص نیاز دارد که در همه کس نیست، لذا باید با شیوه های مناسب، با استعدادترین و علاقه مندترین افراد را برای کار معلمی انتخاب کنیم.

- دومین مسئله، خود نظام آموزشی و تربیتی است. اغلب ملاحظه می کنیم کتابها، استادان و مدرسین و روشهایی که در این واحدها به کار می رود روشهایی نیستند که با پیشرفتهای امروزی تعلیم و تربیت هماهنگ باشند. در آنجا هم آموزش، دقیقاً براساس همان روش حفظ کردن طوطی وار و نمره گرفتن است، و طبیعی است معلمی که خودش با آن روش آموزش می بیند در محیط کار هم عیناً همان روش را بکار می برد.

- سومین مسئله نگهداری معلمین است، که آن را صرفاً به معنای مادی کلمه مطرح نمی کنم. بلکه منظور این است که چکار کنیم تا هم ذوق و شوق و علاقه معلم حفظ و افزوده شود و هم بردانش و مهارتش مرتباً افزایش یابد. مثلاً آموزش ضمن خدمت واقعی نه صوری، یکی از عواملی است که به این جنبه سوم خیلی کمک خواهد کرد.

علاوه بر اینها، مشکل دیگر، صلاحیتهای علمی مدیران مدارس است. در بعضی مواقع مدیران مدارس ما حتی به اندازه بعضی از معلمین جوان هم سابقه آموزشی ندارند و لذا نمی توانند کار آموزش در یک مدرسه را رهبری کنند. یک مدیر در واقع سه وظیفه عمده دارد: ارزشیابی، سازماندهی، و نظارت و راهنمایی. مدیری که خودش به اندازه کافی تجربه معلمی ندارد چگونه می تواند این وظایف عمده در مدیریت را انجام دهد؟ بنابراین طبیعی است در چنین شرایطی، به اهدافی که خانم دکتر مفیدی به آنها اشاره کردند به سختی ممکن است برسیم.

بسیاری از معلمین قدرت ریسک در استفاده از روشهای جدید را ندارند. هنوز هم معلمینی داریم که حتی پس از گذراندن دوره های دانشگاهی باز هم به همان روشهای خشک و قالبی قدیمی که نیاز به هیچ دوره تجربی هم ندارد - بر می گردند. از جمله اقدامات در رفع این معضل این است که در گزینش معلمان و در دادن اطلاعات پایه به آنها کوشش کنیم.

یکی دیگر از موارد، برنامه های آموزشی است. برنامه ریزی در دوره ابتدایی با توجه به حساسیت این دوره، و خصوصیات کودکان دختر و پسر باید از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد و در واقع قالبی بودن درست نیست. ما در عناصر اصلی برنامه ریزی هایمان یعنی پیاده کردن روشها، تعیین محتوای اصولی برای تحقق اهداف و بالاخره در ارزشیابی ها مشکل داریم.

در بسیاری موارد اهداف با روشها مطابقت ندارند، که در کل می تواند فلسفه این قبیل آموزشها را مورد تردید قرار دهد. به هر حال تکیه بر محفوظات، تکرار و تمرین، بوجود نیاوردن روح تجسس و اکتشاف و خودمحوری معلم عامل ایجاد مشکل در رسیدن به هدفهاست. در حالی که براساس تحقیقات بسیار، روح تجسس و اکتشاف در همین سالها، به خوبی می تواند پرورانده شود، اما معلم محوری ممانعت های زیادی در این راه فراهم می کند.

از نظر محتوایی، مطالب و محتوای دروس باید با زندگی کودک ارتباط پیدا کند که در بعضی از دروس این ارتباط وجود ندارد. در مورد ارزشیابی هم عمده مطلب این است که ما در ارزشیابی ها مان نظرمات بیشتر بر حاصل است نه فرآیند کار، در واقع این که دانش آموز نمره ۱۴ یا ۲۰ بگیرد دارای اهمیت است، و زمانی که ما تا کیدمان تنها بر نمره و حاصل کار باشد از فرآیند عمل و این که چگونه به آن نمره می رسند دور می مانیم. در هر یک از این مقوله ها زیر مجموعه هایی هم می توانیم بگنجانیم که انشاءالله دوستان دیگر به آنها می پردازند.

■ آقای دکتر پاشا شریفی: من چند نکته را به آنچه خانم دکتر مفیدی اشاره کردند اضافه می کنم. یک مسئله، مسئله تربیت معلم است. همان طور که گفتند در واقع یکی از عناصر مهم در نظام آموزش و پرورش همه کشورهای جهان، معلم و تربیت معلم است. متأسفانه در نظام آموزشی ما،





**آقای صافی:** مسائل آموزش و پرورش ما می تواند از چند زاویه مطرح شود مثل: مسائل بنیادی و مسائل اجرایی، مسائل کمتی و مسائل کیفی، و یا مسائل آموزشی و مسائل پرورشی دوره ابتدایی. بحث مهم این است که دوره ابتدایی ما الان از زاویه کمتی با مسائل متعددی روبروست.

ما به لحاظ عوامل بیرون سازمانی مشکلاتی داریم نظیر رشد جمعیت در جامعه، که طبق بررسی های سال ۱۳۶۵ تعداد افراد تازه متولد تا ۶ سال بیش از ۱۱ میلیون تن بود. و رشد جمعیت به نحوی است که به طور متوسط ۲ میلیون نفر در سال به جمعیت ما اضافه می شود و به همین ترتیب هجوم جمعیت به سوی مدرسه مطرح است. به این لحاظ ما در مهر آینده بنا بر پیش بینی آماری، نزدیک به ۱۰ میلیون دانش آموز ابتدایی در سطح کشور داریم که حداقل ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر نسبت به سال گذشته افزایش نشان می دهد. در این وضعیت، فراهم آوردن شرایط تعلیم و تربیت همه کودکان لازم التعلیم مستلزم وجود بودجه کافی، معلمان و مدیران کارآمد، واحدهای آموزشی و دیگر امکانات ضروری است تا بتوانیم علاوه بر کمیت، به کیفیت هم پردازیم.

دوره ابتدایی بر اساس عوامل درون سازمانی هم مشکلاتی دارد. مثل: دو نوبته بودن مدارس، و یا نارسائی در تعمیم آموزش عمومی به همه جا، که در نتیجه در برخی نقاط بعد از کلاس اول و دوم، بعضی ها ترک تحصیل می کنند و یا افت تحصیلی بوجود می آید که خود بخود مشکلاتی به دنبال دارد.

علاوه بر اینها، من هم تاکید می کنم که مهم ترین مسئله، محور قرار نگرفتن دانش آموز و ابعاد وجودی اش در سیستم آموزش و پرورش ماست. در تهیه کتب، در برنامه ریزیها، در تعیین کلاسها، در تهیه میز و نیمکت و وسایل کمک آموزشی و دیگر ابعاد، باید باور کنیم که اصل، دانش آموز است و دستگاه آموزش و پرورش باید خود را خادم بچه ها بداند.

همچنین بحث معلمان و مدیریت نیز بحثی اساسی است. مدیریت مدارس ابتدایی محوری برای کاهش بسیاری از مشکلات تربیتی است. فراهم آوردن زمینه بروز استعدادها و خلاقیت بچه ها، جاذبه دار نمودن مدارس، و ایجاد ارتباط هماهنگ بین خانه و مدرسه از نقش های مهم مدیریتهاست، که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

**آقای اسماعیلی:** در تکمیل سخنان خانم دکتر مفیدی اشاره به یک موضوع را ضروری می بینم و آن نارسایی و عدم جامعیت روشها و برنامه های دوره ابتدایی در مقایسه با انتظارات تربیتی این مقطع است. در این مورد باید دو نکته اساسی را مد نظر قرار دهیم:

یکی فقر برنامه ها و روشها در دروسی که تأثیر بیشتری در رشد و هدایت استعداد های دانش آموزان دارند. مثل دروس هنر، انشا و ورزش.

دیگر نارسایی هایی است که دوره ابتدایی در جهت تربیت ابعاد شخصیتی (اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و...) شاگردان دارد. برنامه های ابتدایی ما، نه برای تربیت این ابعاد نظام منسجمی دارند و نه اصولاً این جنبه ها مورد ارزشیابی قرار می گیرند. ارزشیابی ها منحصر به اندوخته های ذهنی دانش آموزان است و امور تربیتی هم علی رغم همه تلاشی که تا به حال داشته، نتوانسته در این دوره راه به جایی ببرد. یکی از علل عمده آن را می توان وضعیت خاص مقطع ابتدایی در مقایسه با دو مقطع راهنمایی و متوسطه دانست. تک معلمی بودن کلاس، عدم امکان فعالیتهای فوق برنامه برای دانش آموزان به طور مطلوب و فشارهای آموزشی به منظور آموختن مفاهیم بنیادی و اولیه به دانش آموزان در این دوره، پرداختن به جنبه های تربیتی کودکان را کاملاً تحت الشعاع قرار می دهد.

دوره ابتدایی در چند سال اخیر از حضور مربی پرورشی و ورزش به میزان قابل توجهی محروم شده در حالی که به عوض وظایف آنان توسط معلم کلاس هم انجام نمی شود. یکی از اهداف این سمپوزیوم یافتن راه حل اصولی برای همین معضل تربیتی است.

□ در بررسی مقالات ضوابط اصلی شما در رد یا قبول یا تعدیل آنها چیست، و اساساً با چه معیارهایی یک مقاله را برای طرح در این مجمع علمی مناسب می دانید؟

■ **آقای اسماعیلی:** ملاکهای گزینش در مقالات سمپوزیوم دوم همان ملاکهایی است که در اولین سمپوزیوم مورد نظر بودند. محورهای عمده که اعضای محترم هیئت علمی بر اساس آنها هر مقاله را مورد بحث و ارزشیابی قرار می دهند عبارتند از: تازگی مطالب - مستند بودن، قابلیت کاربرد در آموزش و پرورش و تناسب با موضوعات اعلام شده در فرم فراخوان مقالات. مع الوصف در جلسات تصمیم گیری هر یک از اعضای هیئت علمی از زوایای





خاص و در عین حال متفاوتی اظهار نظر می نمایند که به جامعیت بررسی مقالات کمک می کند.

خانم دکتر مفیدی: در این رابطه - همان طور که اشاره کردند - روند منظمی از طرف هیئت علمی و هیئت اجرایی و برگزارکننده سمپوزیوم از مدتی قبل برقرار بوده است، به طوری که فرم مشخصی حاوی معیارهای تعیین شده برای ارائه نظرات شخصی درباره مقالات در اختیار اعضا قرار می گرفت که محتوای آن راهنمای عمل و نظر هیئت علمی در انتخاب بود. به علاوه جلسات متعدد گروهی هم برقرار می شد که راه انتخاب مقالات مناسب را هموار می کرد.

علاوه بر اینها آنچه مورد نظر شخص بنده قرار داشت توانایی فرد در پروراندن مطلب برای سخنرانی یا مقاله خوانی بود. بسیاری از مقالات بودند که نوع نوشته و ناهماهنگی مطالب آنها، نشان از پراکندگی فکر برای پروراندن مطلب داشت.

یکی از موارد دیگر تخصص و تجربه افراد، راهنمایی ها و پیشنهادهای عملی شان بود که می توانست مورد نظر باشد، بخصوص زمانی که با تعدد مقالات در یک زمینه خاص روبرو بودیم مثلاً موضوع انشا و کاربرد آن که در این گونه موارد، کشش موضوعی مقالات و پیشنهادات عملی و کاربردی آن در شرایط فعلی مدارس، در انتخابشان مؤثر بود. ضمناً لازم به ذکر است که در مورد بسیاری از مقالات، بعد از قرائت همگانی، چنانچه برای طرح مورد توافق قرار می گرفت نکات راهنمایی هم برای نویسنده آنها، جهت تکمیل و اصلاح ارسال می شد.

با این وجود چنانچه موضوعاتی احیاناً پذیرفته نشده اند، الزاماً به دلیل نقصشان نبوده بلکه اولویت طرح آنها هم عامل اساسی بوده است، و به هر حال من به عنوان عضوی از هیئت علمی سمپوزیوم از همه عزیزانی که در این راه قلم زده اند متشکرم.

آقای دکتر شریفی: علاوه بر مطالبی که بیان شد چند نکته هم مورد نظر من بوده است: یکی از فاکتورهای مهم صحت علمی و مستند بودن مقاله ها و پیروی آنها از یک نظم منطقی است، و این که به جنبه های خاصی که مصداق علمی و کاربردی و قابلیت اجرایی در آموزش و پرورش ابتدایی دارد توجه کرده باشد، لذا از انتخاب مقالاتی که به صورت کلی گوئی و اظهار نظرهای شخصی، بدون استناد تجربی و علمی بود اجتناب می شد یا آنها را به عنوان

مقاله های ضعیف ارزشیابی می کردیم.

نکته مهم دیگر این بود که مقاله، مسئله ای را طرح کند و پاسخی به آن بدهد، یا اگر پاسخی نمی دهد لااقل مسئله نوئی را مطرح کند و جرقه ای بزند تا برای محققان، نویسندگان و صاحب نظران بعدی مسئله ای پیدا شود که درباره آن به فکر و مطالعه و تحقیق پردازند. خوشبختانه اکثر مقاله های امسال غنی و پر بار و قابل استفاده بود، گرچه درجه بندی های انجام شده نشان می دهد که در سطوح مختلف دقت و غنا هستند و انتخاب بر اساس بعضی اولویت ها انجام می شد.

□ لطفاً بفرمایید که چگونه موضوعات طرح شده در مقالات را می توانیم در سطح گسترده، جهت ارتقای برنامه های تربیتی دوره ابتدایی مورد استفاده قرار دهیم؟

■ خانم دکتر مفیدی: بنده گمان می کنم آنچه در حال حاضر می توانیم از نتایج سمپوزیوم در اذهان عموم به تصویر بکشیم این است که در کل، سطح اطلاعات جامعه را نسبت به رسالت مهم تربیتی مدارس و برنامه ریزیهای پرورشی در این دوره بالا ببریم. این سمپوزیوم باید بتواند عوامل تأثیرگذار در تربیت کودکان و طرق مثبتی را که در شکل دهی نیازهای کلی آنها وجود دارد بارز کند و بالتبع هر چه این اطلاعات غنی تر و متمرکزتر و با اهداف هماهنگ تر باشند افراد قضاوت بهتری خواهند کرد.

برای استفاده بهتر از مباحث سمپوزیوم در سطح وسیع طبیعتاً باید تمهیداتی فراهم گردد. از جمله این که نیازهای مستمعین خود را ریشه یابی و طبقه بندی کنیم، و بعد از افراد با تجربه و متخصص، و کسانی که سودای تربیت کودکان را در سر می پروراندند کمک بگیریم. مثلاً با پرسش از معلمین و مربیان پرورشی در طول سال تحصیلی، راجع به نیازها و نواقص تربیتی، و محور قرار دادن آنها به صورت موضوعات، می توانیم راه شناخت را به نحو وسیع تری هموار سازیم.

ضمناً به منظور گسترش مباحث باید کاربردها در عمل روشن و پیگیری شود، مثلاً اگر نتایج این سمینار، به نفع معلم محوری، منجر شود، مسئولان باید این اندیشه و طرح را به اجرا بگذارند و توصیه کنند که معلمین، کودکان را محور قرار داده و آنها را در جریان کار فعال نمایند.

عامل دیگر جهت گستردگی مباحث تحقیق و بررسی پیرامون مسائل مطرح شده است. چنانچه در سال گذشته



چنین چیزی بود و موضوعات جالب سمینار زمینه بحث محافل علمی و آموزشی قرار گرفتند و بعضاً در این خصوص تحقیقاتی نیز در دست اجراست.

نکته دیگر این که باید جامعه را از دستاوردها و راهبردهای عملی سمپوزیوم آگاه نماییم بنابراین کارهای سمپوزیوم، نه لزوماً به صورت تبلیغی بلکه به صورت عملی حتماً باید به صورت بارز انعکاس یابد.

آقای دکتر شرفی: در پاسخ این پرسش، قبل از آن که برنامه سمپوزیوم و نوع مقاله‌های قابل طرح را مشخص کنیم باید از طریق یک تحقیق یا حداقل یک پرسشنامه مسائل و مشکلات تربیتی کودکان در سطح ابتدایی را شناسایی کنیم. در این صورت چیزی که در سمپوزیوم ارائه می‌شود مبتنی بر نیازهای مدارس و دانش‌آموزان و مربیان خواهد بود و به همین دلیل نیاز بیشتری برای آنها جهت آگاهی در آن زمینه ایجاد می‌کند.

علاوه بر این برای این که مطالب را به اطلاع همگان برسانیم چند راه حل قابل توجه است:

— چکیده مقاله‌ها و یافته‌ها، بخصوص آنها را که با داشتن جنبه‌های کاربردی و عملی به حل مسائل کمک می‌کند، در تیراژ وسیع تکثیر کرده و در اختیار مدارس و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار دهیم.

— رسانه‌های گروهی برنامه‌ها را ضبط کنند و به تدریج در طول سال، به تناسب موضوع آنها را پخش کنند و مورد استفاده عموم قرار دهند.

آقای صافی: به نظر من در ارتباط با این سؤال راههای متعددی قابل ارائه است: اولین قدم ارزشیابی از خود سمپوزیوم در سال گذشته و امسال است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که به چه نکاتی باید توجه بیشتری نمود و این کار، زمینه گسترش را در سالهای آتی هموار می‌سازد.

— دومین راه انجام یک پژوهش در دو بُعد است: اول پرسش از مسئولان و دستگاههای ستادی و برنامه‌ریز آموزش و پرورش کشور و دوم از کسانی که در مدارس ابتدایی از نزدیک با مسائل آشنا هستند و در مجموع مشخص کردن نیازها.

— نکته دیگر در نظر داشتن تنوع موضوعات است. به اعتقاد من پرورش و آموزش در هم تنیده و لاینفک هستند و آموزش قسمتی است از پرورش. و لذا اگر موضوع سمپوزیوم را اعم از مسائل پرورشی و آموزشی اعلام کنیم فرصتی برای طرح

مسائل متعدد و متنوع فراهم می‌آید.

— راه دیگر تنوع دعوت شدگان است. باید امکانات را توسعه دهیم و همه کسانی را که با مقطع ابتدایی ارتباط دارند، در حد مقدور دعوت کنیم و حضورشان را موثر بدانیم زیرا اینها هستند که پیامها را می‌گیرند و در عمل استفاده می‌کنند. مانند: مدیران، معلمان، مربیان، کارشناسان ابتدایی و خانواده‌هایی که در ارتباط با کودکان ابتدایی هستند و حتی کسانی که در دستگاههایی مثل سازمان برنامه و بودجه و دیگر دستگاهها در برنامه ریزیها دخیل هستند و می‌توانند برای کاهش مشکلات امکاناتی را در اختیار مدارس ابتدایی قرار دهند.

— اقدام دیگر ارائه نتایج سمپوزیوم به چند شکل است، مانند: توصیه‌نامه‌هایی برای همه جا، به شکل کتابی مدون شامل مقالات گوناگون، به شکل مقالاتی در مجلات از جمله مجلات آموزش و پرورش، و سرانجام از طریق رادیو و تلویزیون که به تناسب موقعیت می‌توان آنها را مطرح نمود.

— پیشنهاد دیگر گسترش سمپوزیوم در استانهاست. گاهی حضور همه افراد از سراسر کشور در تهران مقدور نیست اما می‌توان به تدریج شکلی از آن را در بعضی استانها که امکانات بیشتری دارند اجرا نمود تا فرصت حضور به بسیاری از کارکنان مقطع ابتدایی و دیگر علاقه‌مندان داده شود.

— پیشنهاد دیگر گسترش این مجمع در دوره‌های بعد است. سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به یکدیگر مربوطند و اگر بتوانیم به تدریج این نوع مباحث را در سطوح مختلف تحصیلی مطرح کنیم و به شکل سیستمی به آموزش و پرورشمان نگاه کنیم می‌تواند اثر بیشتری داشته باشد.

— آخرین پیشنهاد این است که نتایج، در درجه اول به دستگاه آموزش ابتدایی داده شود با این عنوان که می‌تواند خط مشی و سیاست برنامه‌ریزیهای آینده را روشن نماید. و همچنین برای کلاسهای آموزش ضمن خدمت و دوره‌های آموزشی قابل استفاده می‌باشد.

آقای احمدی: در رابطه با این سؤال اولین قدم این است که دبیرخانه و هیئت علمی در طول سال فعالیتی مستمر و پویا داشته باشند. مقالات در طول سال ارسال شود و ارزیابی آنها، پاسخ دادن به مؤلفین مقالات و تغییرات لازم در فرصت کافی انجام پذیرد تا در نهایت مقاله‌ای ویرایش شده و کامل ارائه گردد.

— وجود سمینارهای ماهیانه در کنار این سمپوزیوم نیز اقدام



ارائه داده ایم صحت علمی داشته و کاربردی بوده اند یا خیر؟ لذا باید برآوردی داشته باشیم از میزان پاسخگویی به نیازهای آنها.

**آقای دکتر شریفی:** برای حرکت آینده این سمپوزیوم سه پیشنهاد دارم:

— براساس پژوهشهای از پیش انجام شده برنامه ریزی کنیم و با اطلاع از مشکلات و مسائل آموزشی و پرورشی، برنامه های سمپوزیوم را در جهت حل آن مسائل استوار سازیم.

— در پایان هر سمپوزیوم یک برنامه دقیق ارزشیابی و نظرخواهی تنظیم کنیم که هم، باید شنوندگان و شرکت کنندگان ما را دربر بگیرد و هم دست اندرکاران مسائل آموزش و پرورش و حتی کسانی که مستقیماً در برنامه ها حضور نداشتند ولی به نوعی پیام ما را گرفته اند، تا ببینیم چه اندازه مسائل مطرحه برای جوانها مفید و قابل استفاده بوده است.

— نکته مهم تر اینکه، همان طور که آقای احمدی به دبیرخانه اشاره کردند، یکی از کارهای دبیرخانه در طول سال انجام پژوهشهایی در مسائل آموزشی و پرورشی باشد، که موضوعات آن عمدتاً از مسائلی است که در سمپوزیوم قبل مطرح شده و در سمپوزیوم آینده چه بسا بعضی از مقاله های خوب، نتایج همین تحقیقات است که توسط اعضا و به کمک دیگر افراد دست اندرکار انجام می شود.

این نکته را هم در نظر داشته باشیم که هدف آنی و فوری سمپوزیوم این نیست که فوراً به یک نتیجه عملی برسیم چنانچه معنای لغوی آن همین است که در اینجا می خواهیم مسایل را به بحث بگذاریم و با افکارنو، مشکلات نظام آموزش و پرورش را مطرح و روشن سازیم تا پژوهشگران و صاحب نظران درباره آن تحقیق کرده و راه حلهایی پیدا کنند.

**آقای صافی:** برای برنامه ریزی آینده این حرکت باید به آموزش و پرورش به صورت سیستمی نگاه کنیم، با تأکید بر این که به مقطع ابتدایی، به عنوان پایه اهمیت بیشتری می دهیم. به این دلیل بدست آوردن لیستی از اهم مسائل آموزش و پرورش ما در ایران یک ضرورت است، سپس اولویت بندی این مسائل با تأکید بر نیازهای مقطع ابتدایی. لذا من معتقدم هر سال را به دو تا سه مسئله بسیار عمده و اساسی اختصاص بدهیم.

مؤثری است. که همان طور که آقای صافی فرمودند، می تواند در شهرستانها باشد ولی مقالات در طول سال به دبیرخانه برسد. قطعاً برای هر ماه می توانیم تعدادی از مقالات منتخب را در سمینارهای کوچک تر ارائه دهیم و گزیده آن بحث و بررسی ها در سمپوزیوم سالانه مطرح گردد. این امر در گسترش دامنه گفت و شنودها خیلی مؤثر است، بخصوص اگر دبیرخانه، فصل نامه ای داشته باشد که هر سه ماه یکبار مقالات ارائه شده در این نشست ها را منتشر کند.

— در مورد نحوه نگهداری مقالات و ذخیره سازی آنها قطعاً به سیستمهای کامپیوتری نیاز داریم تا براساس طبقه بندی، به راحتی بتوانیم به مقالات مطرح شده در هر سال دسترسی پیدا کنیم. برای گسترش این کار می توانیم با مراکز اطلاع رسانی در کشور خودمان و در کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنیم. مثلاً دادن حداقل عنوان انگلیسی برای هر مقاله، و دادن یک خلاصه مقاله، در ارتباطهای برون سازمانی و برون مرزی مؤثر است.

— توصیه عملی دیگر این است که نماینده ای از دبیرخانه سمپوزیوم، پیوسته در برنامه ریزی های مقطع ابتدایی در وزارتخانه شرکت کند. یعنی آنچه که حاصل همه این افکار و اندیشه هاست بتواند به مراکز تصمیم گیر منتقل شود، و من توصیه می کنم آقای اسماعیلی در تمام جلساتشان شرکت کنند.

□ با توجه به محتوای مقالات و نظرات افراد، آینده این حرکت را چگونه ارزیابی می کنید و درباره سیر مطلوب آن چه نظری دارید؟

**خانم دکتر مفیدی:** طبیعتاً برای هر گونه ارزشیابی نیازمند پاسخ به این پرسش هستیم که تا چه حد به اهدافمان رسیده ایم. چنانچه نتایج برآمده از سمپوزیوم گذشته و فعلی بتواند درصد بالایی از اهداف و نیازهایمان را پاسخگو باشد بر آن اساس می توانیم آینده این حرکت را در جهت پیش بینی برنامه های بهتر به نحو روشن تری ببینیم. این جریان که در آغاز، حرکتی جالب و کارساز بود، بایستی خودش را از تندروی ها و اختلاط اهداف به دور نگه دارد و همان هدف زیربنایی و تخصصی و تربیتی خودش را حفظ کند<sup>۱</sup> بتواند حرکت مداوم داشته باشد.

اما مسئله مهم تر این است که تا چه حد توانسته ایم اعتقاد پیام گیران و مستمعین را جلب کنیم و آیا مطالبی که



# مسابقات علوم و معارف نهج البلاغه



قابل توجه مربیان محترم پرورشی و کلبه همکاران عزیز فرهنگی کارشناسی قرآن و معارف اسلامی اداره کل فرهنگی و هنری در ادامه برگزاری مسابقات علوم و معارف قرآنی که طی چهار دوره انجام گردید. در نظر دارد در سال تحصیلی جاری دور جدید این مسابقات را تحت عنوان مسابقات علوم و معارف نهج البلاغه برگزار نموده و ضمن پی گیری هدف دانش افزایی همکاران محترم پیرامون آقیانوس کران ناپیدای علوم و معارف بشری، نهج البلاغه مولی امیرالمؤمنین علی (ع) جوایزی را به برندگان این مسابقه تقدیم نماید.

این مسابقه در ۲ مرحله مقدماتی و یک مرحله نهایی و از کتاب شناخت نهج البلاغه تألیف حجة الاسلام محمد دشتی برگزار خواهد شد.

جدول زمان بندی مسابقه:

۱- قسمت اول مقدماتی پایان آذر ماه ۷۰ از صفحه ۱ تا ۹۳ کتاب مذکور می باشد.

۲- قسمت دوم مقدماتی پایان بهمن ماه ۷۰ از صفحه ۹۳ تا ۲۰۰ کتاب مذکور می باشد.

۳- قسمت سوم نهایی پایان اردیبهشت ۷۱ از کل کتاب مذکور خواهد بود.

نخستین پرسشنامه در آذر ماه سال جاری ماهنامه تربیت چاپ خواهد شد. شرکت کنندگان عزیز پس از پاسخ به سئوالات منبع فوق می توانند آن را به آدرس: تهران - میدان بهارستان - ساختمان شماره ۱ وزارت آموزش و پرورش اداره کل فرهنگی و هنری کارشناسی قرآن و معارف اسلامی ارسال نمایند.

اداره کل فرهنگی و هنری  
معاونت پرورشی

مسئله دیگر همکاری همه سازمانهای ذیربط در این زمینه است. واقعیت این است که در مدیریت هم باید با دید سیستمی نگاه کرد. یعنی مجموعه کسانی که در آموزش ابتدایی کشور به گونه ای نقش دارند، می باید مددکار چنین تفکر و برنامه ای باشند تا از این طریق پیشنهادهای داده شده به بار بنشینند و بتواند اثربخش باشد.

آقای احمدی: دوره ابتدایی زیربنای مسائل کلان جامعه است. اگر بخواهیم راجع به سلامت اقتصادمان، یا در مورد استقلال فرهنگی، سیاسی و غیره هم فکر کنیم باید در مورد دوره ابتدایی بیندیشیم. این سمپوزیوم تنها گوشه ای از مسائل و مشکلات را می تواند منعکس کند ولی به هر حال به این لحاظ که به مسائل تربیتی و تعلیمی کودکان می پردازد - جایگاه بسیار ارزشمندی می تواند داشته باشد. ما به لحاظ نیاز به مطالعه، تفکر و تحقیق در مقطع ابتدایی، احتیاج به مجامعی داریم که در مورد صحت و سقم این اندیشه ها و تحقیقات اظهار نظر کند، و از سوی دیگر مجمعی باشد که اندیشه ها را گرد هم بیاورد. اگر چه هر کس به فراخور تجربیات و تحقیقات خود در مورد مسایل اندیشه و اظهار نظر می کند، ولی وجود چنین مجمعی می تواند به این اندیشه ها سرو سامان بدهد و گردهم آمدن آنها این باب را باز می کند تا دیگران هم بیندیشند و تحقیق و مطالعه کنند.

مسئله قابل توجه این که امسال نسبت به سال گذشته، هم از لحاظ کمی و هم کیفی، شاهد رشد بسیار چشمگیر مقالات بودیم که می تواند نشانگر تأثیر مجمع سال قبل باشد. جالب اینجاست که با شروع این اقدامات، معلوم می شود که چه مسائلی در همین مقطع ابتدایی وجود داشته که از آن غافل بوده ایم به عنوان مثال می توان از شیوه های رفتاری رایج در مدارس و خانواده ها نام برد. به هر حال حرف زدن در خصوص این مسائل همه ما را بیشتر حساس می کند و واداران می سازد که نواقص را بیشتر مورد تحلیل و سنجش قرار دهیم.

بنابر این جایگاه این سمپوزیوم به عنوان یک مجمع علمی جایگاه بسیار ارزشمندی است و من امیدوارم که با اصلاح شیوه های خودمان در کار و بهبود بخشیدن به آنها روز بروز شان و مقام مناسب تری به سمپوزیوم بدهیم و آن را به مجمعی تبدیل کنیم که بتواند در مورد مقطع ابتدایی حرف منسجم و جامعی بزند.

